

بفرمایید فلسفه! (۲)

تاریخ فلسفه به روایت فیلسوفان معاصر

دیوید ادmondز

نایجل واربرتن

ترجمه

میثم محمدا مینی



نشرکردن

یادداشت دبیر مجموعه

«اندیشیدن» فارغ از محتوای آن و بی‌توجه به آنکه در کدام زمینه و رشته و با چه نیت و هدفی انجام می‌گیرد، در ذات خود فرایندی «گفت‌وگویی» است. لازم است که اندیشنده حتی در کنج تنهایی خود بتواند از موضع مورد قبولش فاصله بگیرد، مسئله را از زوایایی دیگر بکاود، «وانمود» کند که با آنچه طرح شده مخالف است و بکوشد از منظری دیگر، عموماً از منظری انتقادی، به فرایند و دستاوردهای اندیشه خود بنگرد. گفت‌وگو با نیمه دیگر خود، در بنیادی‌ترین لایه، مقوم و سازنده اندیشیدن است. از سوی دیگر، بدون چنین گفت‌وگویی احتمال رخ دادن خطا در اندیشه و ناکارآمدی آن بسیار بالاست. به همین دلیل عجیب نیست اگر ادعا کنیم گفت‌وگو تضمین‌کننده ثمربخشی اندیشه است.

اما اندیشنده علاوه بر خود، با بسیاری افراد، نهادها و رقیبان دیگر نیز در گفت‌وگو است. هر اندیشیدنی واکنشی است به وضعیت موجود. حتی در فلسفه‌ورزی، انتزاعی‌ترین نوع اندیشیدن، اندیشنده در صدد صورت‌بندی دلایل موافقت و/یا مخالفت خود با مرزها، تقسیم‌بندی‌ها و مقولات اندیشگی عرضه‌شده از سوی دیگران است. در اینجا اندیشنده حتی اگر بر نهادی کاملاً تازه و بدیع نیز مطرح کند، در واقع جای چنین آموزه‌ای را در سیر اندیشه «دیگران» خالی دیده است. چنین است که اندیشیدن، حتی در خلوت و تنهایی، کنشی است از بنیاد اجتماعی که گفت‌وگو در قلب آن جای دارد.

گفت‌وگو سهمی مهم‌تر نیز در قوام بخشیدن به اندیشه دارد. بسیاری از ما آدمیان چنان‌ایم که تا اندیشه خود را با زبان بلند و برای خود/دیگران بازگو نکنیم، آن اندیشه برای ما وضوح نمی‌یابد و زوایای تاریک آن روشن نمی‌شود. گفت‌وگو، حتی اگر یک سویه باشد، چراغی است که دست‌کم فضای ذهنی گوینده را برای خود او روشن‌تر می‌کند.

پس بی‌دلیل نبوده است که گفت‌وگو در مقام قالبی بیانی در زمره شایع‌ترین قالب‌های مورد علاقه بزرگ‌ترین اندیشمندان تاریخ بشر بوده است. سقراط، پدر فیلسوفان تمام دوران‌ها، جز گفتن و شنیدن کاری نکرد و افلاطون حتی



مخالفت‌های احتمالی خود را با اندیشه‌های استادش جز از زبان شخصیت‌های درگیر گفت‌وگو عرضه نداشت. در غرب و شرق هرگاه متفکر و استادی در پی عرضه افکار و تعالیم خود بوده راهی مناسب‌تر از گفت‌وگو، ولو خیالی، با شاگردان و هم‌تایان و مخالفان خود نیافته است. در زمانه انقلاب‌های علمی، عصر روشنگری و دیگر دوران‌های تحولات سترگ اجتماعی در حیات بشر نیز راهی مناسب‌تر از به‌کارگیری متن‌های مبتنی بر گفت‌وگو، برای نشان دادن تواضع علمی، صداقت اجتماعی و حقیقت‌دوستی نویسندگان، در اختیار نبوده است. و این همه جز اندیشمندانی است که مستقیماً «گفت‌وگو» را دستمایه اندیشه‌ورزی خود قرار داده‌اند و در باب این پدیده نظریه‌پردازی کرده‌اند.

گفت‌وگو نسبت دیگری نیز با اندیشه دارد. در فضای عاری از گفت‌وگو، فضایی که در آن به‌جای گفتن و «شنیدن» تنها گفتن و «نشیدن» در کار باشد، اندیشمند بزرگی سر برنخواهد آورد. در اینجا محتوای گفت‌وگو چندان مهم نیست که اصل وجود آن. بدون تمرین گفت‌وگو در جمع ما نه سلامت روان خواهیم داشت و نه قادریم گفت‌وگویی ثمربخش با خود داشته باشیم، امری که پیش‌نیاز هر اندیشیدن اصیلی است. بی‌دلیل نیست که امروزه از گفت‌وگو به عنوان نوعی درمان و تسهیل‌کننده زیست جمعی یاد می‌کنند. رواج گفت‌وگو، در هر سطح و با هر موضوعی، نشانه قابل اعتمادی است از میزان متمدن بودن یک اجتماع.

در این مجموعه، با عنایت به نقش نازدودنی گفت‌وگو در شکل‌دهی و ارتقای اندیشه، درصددیم برخی از بهترین نمونه‌های گفت‌وگو میان اندیشمندان در حوزه‌های مختلف را در اختیار فارسی‌زبانان قرار دهیم. آنچه در این مجموعه حائز اهمیت است نه محتوای گفت‌وگوها که قالب و سبک آنها است، حتی واقعی یا خیالی بودن گفت‌وگوها نیز تعیین‌کننده نیست. این مجموعه تلاشی است برای معرفی و تمرین اندیشیدن از راه آشنایی با برخی از جذاب‌ترین نمونه‌های گفت‌وگو، چیزی که آن را «گفت‌وگو اندیشی» نامیده‌ایم.

فهرست

- درآمد ----- ۱
- فیلسوف محبوب شما کیست؟ ----- ۵
۱. مری مارگارت مک‌کیب: سقراط و روش سقراطی ----- ۲۵
۲. انجی هابز: افلاطون و عشق اروتیک ----- ۳۵
۳. ترنس اروین: اخلاق ارسطو ----- ۴۵
۴. آنتونی کنی: اخلاق توماس آکویناس ----- ۵۵
۵. کوینتین اسکینر: شهریار نیکولو ماکیاوولی ----- ۶۳
۶. سارا بیکول: میشل دو مونتینی ----- ۷۹
۷. انتونی کلیفرد گرلینگ: گگیتوی رُنه دکارت ----- ۸۹
۸. سوزان جیمز: باروخ اسپینوزا و انفعالات ----- ۹۹
۹. جان دان: جان لاک و تساهل ----- ۱۱۱
۱۰. جان کمیل: معمای جورج بارکلی ----- ۱۱۹
۱۱. پیتر میلیکان: اهمیت دیوید هیوم ----- ۱۲۹
۱۲. نیک فیلیپسن: ادم اسمیث و طبیعت بشر ----- ۱۳۹
۱۳. ملیسا لین: ژان ژاک روسو و جامعه مدرن ----- ۱۴۹
۱۴. ریچارد بورک: ادموند برک و سیاست ----- ۱۵۹
۱۵. آدریان ویلیام مور: متافیزیک ایمانوئل کانت ----- ۱۶۹



۱۶. رابرت استرن: هگل و دیالکتیک ----- ۱۸۱
۱۷. ریچارد ریوز: در باب آزادی جان استیوارت میل ----- ۱۹۵
۱۸. کلر کارلایل: ترس و لرز سورن کیرکگور ----- ۲۰۵
۱۹. آرن ریذلی: فریدریش نیچه، هنر و حقیقت ----- ۲۱۳
۲۰. پیتر سینگر: اخلاق هنری سیجویک ----- ۲۲۳
۲۱. رابرت ب. تلیس: پراگماتیست‌ها و صدق ----- ۲۳۳
۲۲. بری اسمیث: لودویگ ویتگنشتاین ----- ۲۴۵
۲۳. هیو ملر: فرانک رمزی و صدق ----- ۲۶۱
۲۴. مری وارناک: اگزیستانسیالیسم ژان پل سارتر ----- ۲۷۱
۲۵. چندران کوکاتاس: فریدریش هایک و لیبرالیسم ----- ۲۷۹
۲۶. جاناناتان ولف: جان رالز و عدالت ----- ۲۸۷
۲۷. رابرت رولند اسمیث: ژاک دریدا و بخشایش ----- ۲۹۹
- در باره گفت‌وگوکنندگان ----- ۳۰۹
- منابع تکمیلی ----- ۳۱۷

درآمد

مهم‌ترین فیلسوف کل تاریخ کیست؟ هر از گاهی نظرسنجی‌های ابلهانه اما بامزه‌ای برگزار می‌شود و این پرسش را از فیلسوفان می‌پرسند. نام چند نفر به‌طور معمول مطرح می‌شود؛ هیچ نظرخواهی‌ای نیست که نام افلاطون، ارسطو، دکارت، هیوم، کانت، یا مارکس در آن مطرح نشود. اما آثار اصیل و معتبر فلسفی مجموعه‌ای ثابت و مشخص تشکیل نمی‌دهد، در این باره بحث فراوان است، و حتی گاه اختلاف نظرهای ناخوشایندی پیش می‌آید. در سال ۱۹۹۲ تصمیم مسئولان دانشگاه کیمبریج برای اعطاء دکتری افتخاری به ژاک دریدا، اندیشمند فرانسوی، با مخالفت شدیدی مواجه شد.

در مصاحبه‌های پیش رو، هدف ارائه بررسی جامعی از مهم‌ترین فیلسوفان نیست. فیلسوفان برجسته‌ای هستند که در این کتاب چیزی درباره آنها نمی‌بینید، همین‌طور از برخی فیلسوفان سخن به میان آمده که معمولاً در هیچ‌یک از برنامه‌های درسی اصلی به آنها پرداخته نمی‌شود. به این فهرست بهتر است به چشم صورت‌غذای فکری نگاه کنید، دعوتی به چند لقمه کوچک که امیدواریم قوت فلسفی نیز در آن باشد. مصاحبه‌شوندگان منابعی را برای مطالعه پیشنهاد داده‌اند که در پایان کتاب آورده شده است.



فلسفه اکنون گنجینه‌ای ۲۵۰۰ ساله از اندیشه‌هایی دارد که می‌توان از آن بهره گرفت. هر نسلی آثار شخصیت‌های برجسته گذشته را بازخوانی و بازتعبیر می‌کند. ما بخت آن را داشته‌ایم که با برخی از متخصصان پیش‌رو امروز درباره مهم‌ترین اندیشمندان دیروز سخن بگوییم.

این گفت‌وگوها ابتدا به صورت شفاهی برای مجموعه فرمایید فلسفه (www.philosophybites.com) انجام شد، فرمایید فلسفه مجموعه پادکست‌هایی محبوب است که در زمان انتشار این کتاب [۲۰۱۲] بیش از ۱۵ میلیون بار دانلود شده است. هنگام آغاز این کار، برخی افراد بدبین مدعی بودند این گفت‌وگوها به دلیل موضوع پیچیده‌شان علاقه چندانی برنمی‌انگیزد. اما از همه جای دنیا، مردم به گفت‌وگوهایی درباره دیدگاه افلاطون در مورد عشق، گزاره‌های ترکیبی پیشینی کانت، یا اگزیستانسیالیسم سارتر گوش سپرده‌اند.

ما از فیلسوفانی که در این سال‌ها با آنها گفت‌وگو کردیم عمیقاً سپاسگزاریم: اکنون از نعمتِ صدها ساعت آموزش رایگان از محضر افرادی بسیار باهوش و جذاب بهره‌مندیم. سپاس ویژه داریم از فیلسوفانی که در این کتاب با آنها گفت‌وگو شده است و به ما اجازه دادند از صورت مکتوب این مصاحبه‌ها استفاده کنیم. همه گفت‌وگوها برای درآمدن به شکل نوشتاری بازمینی و اصلاح شده‌اند. می‌خواهیم از همسرانمان آنا و لیز، از وکلایمان، کرولین دانی^۱ و ورونیک بکستر^۲، و از این دو مؤسسه تشکر کنیم: مؤسسه فلسفه دانشگاه لندن^۳ و مرکز یوهیرو برای اخلاق عملی در دانشگاه آکسفورد^۴. مؤسسه فلسفه به تأمین مالی کار ما کمک کرد و همچنین دفتری را در مرکز لندن در اختیارمان گذاشت که بسیاری از مصاحبه‌ها در

1. Caroline Dawnay

2. Veronique Baxter

3. London University's Institute of Philosophy

4. Oxford University's Uehiro Centre for Practical Ethics

آن انجام گرفت. بری اسمیث^۱ و شهرار علی^۲ هم مشوق همیشگی ما بودند، هم راهنمایمان در انتخاب مصاحبه‌شوندگان، و هم گاه‌گاهی همراهمان برای چند جرعه. چندین مصاحبه هم در مرکز یوهیرو برای اخلاق عملی در آکسفرد انجام شد، از رئیس فعال مرکز، جولین سِوولسکو^۳، و همین‌طور مدیران مرکز، میریام وود^۴ و دبورا شیهان^۵، سپاس‌گزاریم.

و در نهایت سپاس از نمونه‌خوان همیشگی‌مان، هانا ادموندز^۶ (که بدون دریافت هزینه‌ای با ما همکاری کرد)، و نمونه‌خوان انتشارات دانشگاه آکسفرد، خاویر کلّهت^۷، و ویراستارمان در انتشارات دانشگاه آکسفرد، پیتر مامتکیلف^۸، که این کتاب و جلد پیشین آن (بفرمایید فلسفه!)^(۱) را سفارش داد، و همین‌طور النور کالینز^۹ که در تمام مراحل انتشار کتاب همکاری داشت.

این کتاب را تقدیم می‌کنیم به فرزندانمان: سال، جاشوا، و هانا.

دیوید ادموندز و نایجل واربرتن

آوریل ۲۰۱۲

www.philosophybites.com

1. Barry Smith

4. Miriam Wood

7. Javier Kalhat

2. Shahrar Ali

5. Deborah Sheehan

8. Peter Momtchiloff

3. Julian Savulescu

6. Hannah Edmonds

9. Eleanor Collins

فیلسوف محبوب شما کیست؟

طی چند سال گذشته از فیلسوفانی که می‌دیدیم، بدون هیچ مقدمه‌ای، این پرسش ساده را می‌پرسیدیم: فیلسوف محبوب شما کیست، و چرا؟ فیلسوف اسکاتلندی قرن هفدهم، دیوید هیوم، در جایگاه نخست قرار گرفت. این مسئله چندان شگفتی‌آور نبود، هر چند فاصله او از نفرات بعد حیرت‌انگیز بود: هیوم انتخاب بیش از بیست درصد از پرسش‌شوندگان ما بود. فلاسفه برجسته دیگری که همیشه در میان فیلسوفان بزرگ به آنها اشاره می‌شود، از جمله افلاطون و ارسطو و دکارت و کانت و میل و نیچه و ویتگنشتاین، همگی در فهرست ما قرار داشتند، اما بسیار عقب‌تر بودند. سارا بیک‌ول^۱: ناچارم دو نفر را انتخاب کنم: میشل دو مونتینی، که درباره زندگی‌اش جستارهایی با نگاه فلسفی نوشت، چون از بسیاری جهات انسانی معمولی است؛ و همین‌طور فریدریش نیچه زیرا او هم از زوایایی کاملاً نامنتظر به فلسفه می‌پردازد. نیچه هم مثل مونتینی درباره هر چیزی که مطلب می‌نوشت، همواره به دنبال زوایای پنهان و نامنتظر بود.

هلن بی‌بی^۲: فیلسوف مورد علاقه من دیوید هیوم است. نوشته‌های او،

1. Sarah Bakewell
2. Helen Beebee

به‌ویژه رساله‌ای در باب طبیعت بشر^۱، دستاورد فکری خارق‌العاده‌ای است و حیرت‌انگیز است که او چقدر از زمان خود جلوتر بود. هیوم چیزهایی پرسید که به فکر دیگران نرسیده بود بپرسند. او در زمینه مذهب و علیت، عقاید سنتی حاکم را به چالش کشید. برخی از باورهای هیوم را من هم می‌پذیرم، اما این مسئله‌ای فرعی است - تصور می‌کنم فیلسوف محبوب بسیاری از فیلسوفان هیوم است حتی اگر با آنچه او می‌گوید واقعاً موافق نباشند.

نیک بوستر^۲: مرا در موقعیت دشواری قرار داده‌اید. فکر نمی‌کنم بتوانم از یک شخص واحد به‌عنوان فیلسوف محبوب نام ببرم. فلسفه معاصر، دست‌کم در آن شکلی که من به آن مشغول‌ام، بیشتر شبیه علم است، از این نظر که بسیاری از افراد دستاوردهای مهمی در آن داشته‌اند، و شما هم دقیقاً به دنبال یک شخص برجسته گام بر نمی‌دارید، بلکه بیشتر به میراث شمار فراوانی از افراد که طی دوره‌ای طولانی از زمان فعالیت داشته‌اند، متکی هستید.

لوک بوونز^۳: من از خواندن کارهای ارسطو بسیار لذت می‌برم. وقتی شما ارسطو می‌خوانید، هر حرف و هر کلمه‌ای مهم به نظر می‌رسد. این حس به شما دست می‌دهد که روی قطعه‌های پوست مطلب نوشته است. هر بار که ارسطو می‌خوانم، چیزهای تازه‌ای در آن می‌بینم. در مدرسه اقتصاد لندن، ما علاقه داریم فلسفه را با علوم پیوسته بدانیم - البته ممکن است این ادعا مناقشه‌انگیز باشد - و وقتی ارسطو می‌خوانید گاهی آنچه می‌بینید گام‌های نخستین یک اقتصاددان است. نوعی پیوستگی میان شکل استدلال‌ورزی مورد استفاده در فلسفه و سبک استدلال‌ورزی به کار گرفته‌شده در علوم مشاهده می‌کنید. و در نهایت در سطوح زیرین، هیچ تمایزی وجود ندارد: این همان چیزی است که به نظرم در کار ارسطو بسیار عالی است.

1. *A Treatise of Human Nature*

2. Nick Bostrom

3. Luc Bovens